



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

## Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

### باید موارد نقض حقوق بشر درکنز جدی گرفته شوند!

دست بدست شدن شهر کنز میان مقامات دولتی افغانستان و طالبان در جریان جنگهای ده روز اخیر، شاهد موارد شدید نقض حقوق بشروجنایات جنگی علیه غیر نظامیان از طرف جوانب مختلف درگیر درین جنگ بوده است. علاوه بریمباردمان شفاخانه داکتران بدون سرحد که توجه رسانه ها را بخود جلب کرده است، گزارشات رسانه های داخلی حاکی از جنایات زیادی از جانب طالبان و گروه های ملیشیه متعلق به جنگسالاران دولتی افغانستان نیز بوده است. وسعت وتنوع این جنایات اصولاً مستلزم تحقیق توسط یک ارگان بیطرف بین المللی مثلاً

سازمان عفو بین المللی یا دیده بان حقوق بشر میباشد. صرف بعد از چنین تحقیقاتی میتوان گفت چند مورد جنایت جنگی ویا نقض حقوق بشرواقع شده است ومسؤل هر یک ازین موارد کدام طرف جنگ میباشد. علاوه عواقب بشری تعلق قوای نظامی دولتی در دفاع از مردم کنز باید مورد ارزیابی قرارگرفته ونتایج این ارزیابی به اطلاع مردم افغانستان رسانیده شود. این کار نیز بنظر ما درساحه کاری کمیسیون حقوق بشر افغانستان قرار دارد که در همکاری با جامعه مدنی درین ولایت انجام گردد.

هرگاه تحقیقات متذکره فوق به بهانه شکنندگی وضعیت نظامی-سیاسی به تعویق انداخته شوند ودولت بکوشد بالای جنایات علیه بشریت در کنز خاک اندازد، از جهات ذیل عواقب ناگوار بیار می آورد:

اول- درقدم نخست مردم غریب و بی پناه کنز که قربانی اصلی جنایات انجام شده اند، از دولت ازین بیشتر نا امید گردیده وبرای رسیدن به عدالت طرق دیگررا جستجو میکنند. این حالت در نبود یک بدیل بهتر بنفع دشمنان افغانستان تمام میشود.

دوم- درحالتی که مسؤلیتها وحدود آن نا معلوم باشد همه ناقضین حقوق بشر ومظنونین جنایات از دخیل بودن در جنایات علیه افراد ملکی انکار میکنند ومسؤلیت را به جانب مقابل نسبت میدهند. همین حالت اکنون هم بیداد میکند. این حالت باعث آن گردیده که در یک شهر کثیر الاقوام نظیر کنز، اشخاصیکه مرض قوم پرستی دارند ابتکار را بدست گرفته وهمه جنایات را به قوم یا اقوام دیگر نسبت میدهند یا ازجانبان دفاع میکنند. برای گروه طالبان در شمال کشوریبه نقل قول از شماره اول اکتوبر ۲۰۱۵ پالیسی جدیدی وضع شده است که استخدام اقوام ساکن در شمال



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

## Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

در آن نقش مهم دارد. در شماره متذکره نیویارک تایمز میخوانیم: (معمولاً طالبان از جمع پشتونها عضو گیری میکردند، اما در سالهای اخیر در شمال یک پالیسی زیرکانه را در پیش گرفته و به جذب رهبران قومی ناراضی میپردازند. زمانی این به معنی پشتیبانی از یک بزرگ قومی تاجک در برابر یک همسایه قویتری یعنی کلان قومی ازبک در قسمت بزور گرفتن قرارداد های سود آور پروژه انکشافی بود. در مرحله دیگر طالبان به جنگجویان ازبک تبار متعلق به کشورهای همسایه دستور میدهند که در مناطق شمال فعالیت نموده و ازبکهای افغان را جذب کنند). به همین ترتیب در قسمت دیگر همین مقاله میخوانیم: ( محمد الله سادات یک قوماندان طالبان که در اشغال کندز سهمیم بود از طریق تلفون گفت: خودم یک هزاره هستم. ما همه یکجا و زیر یک بیرق یعنی بیرق اسلام جهاد میکنیم. ما برای اسلام مبارزه میکنیم نه برای کدام گروه مشخص قومی ). محتوی این مقاله تحقیقی یک بار دیگر نشاندهنده این واقعیت است که طالبان در راه رسیدن به اهداف سیاسی وایدیولوژیک شان که با منافع آی اس آی گره خورده است، حاضر به سربازگیری از اتباع کشورهای خارجی و همه اقوام کشور اند. قتل هزاران کلان قوم، جوان و روشنفکر پشتون توسط طالبان صورت نمیگرفت اگر رهبران طالبان به رابطه قومی خویش کوچکترین ارزشی قایل میبودند. بنابراین ربط دادن جنایات قندوز بیک قوم اگر از حماقت ناشی نشده باشد، نفاق انداختن بین اقوام افغانستان میباشد. اتهام زنی بین اقوام اگر با مدیریت قوی تحت کنترل آورده نشود، به یک بحران سیاسی تمام عیار تبدیل شده میتواند. بهترین راه جلوگیری از عواقب این بهتان زنی ها، همانا تحقیق جرایم توسط یک ارگان بیطرف چون کمیسیون حقوق بشر یا سازمان بین المللی دیده بان حقوق بشر میباشد. قربانیان که اهل محل ارتکاب جرم اند و زورمندان منطقه خود را میشناسند، قادر به دادن معلومات لازمه برای تثبیت طرف متخلف میباشد. مشروط بر اینکه به تحقیق کننده اعتماد کرده بتوانند.

سوم- مردم ملکی کندز (متعلق به همه اقوام) از سقوط کندز بدست طالبان و دست بدست شدن آن شهر طی روزهای متعاقب خسارات زیادی را متحمل شده اند. بر علاوه خساره جانی، خسارات روحی و مالی به باشندگان کندز و بیجا شدن صد هزار نفر ازین شهر، تأثیر بس منفی بر زندگی مردم کندز وارد ساخت. مسؤلیت این حالت را تاحدی دولت افغانستان بخاطر عدم جلوگیری بموقع از تراکم حضور نظامی طالبان که بتدریج در اطراف شهر کندز لانه کرده بودند، بدوش میکشد. هرگاه درسهای سیاسی-نظامی سقوط کندز جدی گرفته نشود و پالیسی امنیتی ناکام کنونی ادامه یابد، باشندگان سایر ولایات افغانستان نیز خاطرات تلخ مردم کندز را تجربه خواهند کرد .

چهارم- بمباردمان شفاخانه داکتران بدون سرحد در کندز از جانب نیروهای امریکایی بذات خود یک تخلف صریح از کنوانسیونهای بشردوستانه زنیو بوده و جنایت جنگی تلقی شده میتواند. جنرال کیمیل قوماندان قوای ناتو در افغانستان، حین گزارش به سنای ایالات متحده اظهار داشت که بمباردمان شفاخانه سهواً صورت گرفته است و درین



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

## Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

---

مورد تحقیقات پنتاگون ادامه دارد. البته داکتران بدون سرحد نتایج تحقیقات پنتاگون را نمی پذیرند و خواستار تحقیقات توسط کمیسیون بیطرف یعنی کمیسیون کشف واقعیات بشردوستانه شدند. این کمیسیون توسط یکی از پروتوکولهای کنوانسیونهای ژنیو اساس گذاشته شده است. مشکل این کمیسیون اینست که فقط دول ذیربط (در رابطه با کندز افغانستان و ایالات متحده) ، در صورتی که تأسیسات بشردوستانه قصداً مورد حمله قرار گرفته باشند، قضیه را به کمیسیون مذکور راجع سازند. متأسفانه افغانستان و ایالات متحده هر دو درین ماجرا سهم خود را دارند و خواست فوق داکتران بدون سرحد پذیرفته نخواهد شد. بدین ترتیب باز هم یک جنایت جنگی در افغانستان به ترازوی عدالت گذاشته نخواهد شد. البته وعده اتخاذ اقدامات تطمیع کننده از قبیل پوزش توسط اوپاما، پرداخت ننوات به فامیلهای قربانیان و بازسازی شفاخانه داکتران بدون سرحد داده شده است .

پنجم- پولیس محلی نام جدیدیست برای گروههای ملیشیای تأسیس شده توسط جنگسالاران و قوماندانان تنظیمی برای ارباب و استثمار مردم محلی. پولیس محلی در زمان صلح به جان، مال و عزت مردم ناتوان محلی تجاوز میکند و زمانی که محل مورد حمله قوی دشمنان دولت قرار میگیرد، قبل از رسیدن دشمن به محل پا به فرار میگذارد. چون پولیس محلی مورد حمایت اعضای پارلمان و مقامات دیگر دولت قرار دارد، مورد مواخذه قرار نمی گیرد و به چاپیدن مردم محل ادامه میدهد. اخبار رسیده از کندز حاکی از آنست که آقای ابراهیمی رییس ولسی جرگه که سابق قوماندان حزب اسلامی حکمتیار بود، در ولسوالی امام صاحب گروپ پولیس محلی دارد و سایر پستهای امنیتی این ولسوالی را هم بین اعضای فامیل خود تقسیم کرده است. هنوز پای طالبان به امام صاحب نرسیده بود که ناز پرورده های ابراهیمی با فامیلهای شانرا طیارات نظامی جانب کابل پرواز داد. با اختصار میتوان گفت که عدم موجودیت پولیس محلی برای مردم محل، بهتر از وجود آنست .

جنگ افغانستان از خارج دامن زده میشود، تمویل میگردد، رهبری میشود و کشورهای مختلف منطقه و جهان از طریق ایادی خویش این جنگ را در جهت منافع منطوقی خود سوق میدهند. حوادث اخیر کندز یکبار دیگر ثابت ساخت که مردم ملکی بی واسطه و بی پناه قربانی اصلی این جنگ اند. با کمال تأسف باید گفت که در نبود یک جنبش اجتماعی قوی مدافع اقشار محروم و بیسواد یا کم سواد اکثریت مردم، حلقات حاکم که قدرت سیاسی و اقتصادی را در انحصار خویش در آورده اند، با بی اعتنایی به بازی با سرنوشت اقشار محروم کشور ادامه خواهند داد .

کمیته حقوق بشر فارو